

تأثیرات متقابل جوامع فراآتلانتیک: معماری فرانسه و آمریکا

سید روح‌الله حسینی^۱

استادیار گروه مطالعات فرانسه دانشگاه تهران

فاطمه عظیم‌زاده موسوی^۲

کارشناس ارشد مطالعات امریکای شمالی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۵ - تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۷

چکیده

در طول تاریخ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ناشی از ارتباط و تعامل سرزمین‌ها و ملت‌ها، جلوه‌های گوناگونی از فرهنگ، هنر و معماری را پدید آورده است. در این میان، ریشه‌ها و مظاهر معماری فرانسه و تأثیرات آن بر معماری مرکب آمریکا را از ابتدای ورود فرانسویان به خاک این سرزمین تا به امروز می‌توان جست‌وجو و مشاهده کرد. تأثیرگذاری معماری فرانسوی بر معماری ایالات متحده علاوه بر ایجاد زمینه برای ساخت بناهای مشابه، یکی از عوامل توسعه رقابت و نوآوری در عرصه ساخت بناها و سازه‌های رفیع و جهانی شدن این رقابت بوده است. در این فرایند، برج ایفل و ساختمان امپایر استیت در داخل و فراسوی مرزهای دو کشور از اهمیت و تأثیرگذاری زیادی برخوردار بوده‌اند. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-تاریخی به بررسی تأثیرات دوسویه معماری فرانسه و آمریکا، نوآوری‌ها و رقابت‌های مربوط همچنین مقایسه برج ایفل و آسمان‌خراش امپایر استیت می‌پردازد.

واژگان کلیدی: برج ایفل، تأثیرگذاری، رقابت، ساختمان امپایر استیت، معماری فرانسوی و آمریکایی.

1. hosseini_r@ut.ac.ir

2. azimzadeh@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

تلاش و تکاپوی قدرت‌های اروپایی در خاک آمریکا، برای کسب قدرت و ثروت و نیل به مقاصد مذهبی، در کنار مهاجرت مردمان طبقات مختلف به دنیای جدید، موجب شد که این سرزمین در زمینه‌های گوناگون، تأثیرات متنوعی را از جوامع مختلف در دوران استعمار و پس از کسب استقلال تجربه کند. هنر و معماری آمریکا از جمله بسترهایی است که نشانه‌هایی از تأثیرات حضور ملل مختلف را به صورت مجزا و ترکیبی در آن می‌توان مشاهده کرد. تأمین نیازها و سازگاری با محیط، همچنین استفاده از تجربه‌های گذشته و نوآوری‌های جدید، این امکان را فراهم کرده تا معماری این کشور علاوه بر بهره‌گیری از سبک‌های قدیم، شاهد سبک‌های مرکب و جدید نیز باشد و از این طریق افت‌وخیزهای هنری مختلفی را به معرض نمایش بگذارد.

در میان افرادی که با ملیت‌های مختلف راهی آمریکا شدند، فرانسویان از نخستین اقوامی بودند که از ابتدای ورود به این سرزمین، به ساخت‌وسازهای با سبک فرانسوی پرداختند. تأثیرات و استفاده از سبک‌های مختلف معماری فرانسوی در آمریکا، از خانه‌های کشاورزی گرفته تا بناها و آسمان‌خراش‌های مدرن، قابل مشاهده و مطالعه است. در مقابل، با پیشرفت‌ها و نوآوری‌های حاصل از معماری و شهرسازی آمریکایی، فرانسه نیز خود به یکی از کشورهای واردکننده معماری آمریکا تبدیل شده است. در این مقاله، با رویکرد تاریخی-تحلیلی، بخشی از تأثیرات متقابل معماری آمریکا و فرانسه و نتایج ناشی از تعاملات فرآتلاتنیکی آن بررسی می‌شود. همچنین، برای تکمیل بحث، برج ایفل^۱ و آسمان‌خراش امپایر استیت^۲ به عنوان دو نماد مهم از معماری فرانسه و آمریکا در این نوشتار مقایسه شده‌اند و به جنبه‌های رقابتی و تأثیرگذاری آن‌ها با جزییات بیشتری پرداخته می‌شود.

۱. تأثیر معماری فرانسوی بر معماری آمریکا

تعاملات دو سوی اقیانوس اطلس از جمله دلایل پیدایش جلوه‌های جدید و متنوع

1. The Eiffel Tower
2. The Empire State Building

معماری در سراسر جهان بوده است. در این میان، تأثیرپذیری معماری و معماران آمریکایی از دانش و نوآوری فرانسویان و برعکس، هم در درون خاک آمریکا و هم از طریق تعاملات و رقابت‌های فرآتلانتیکی صورت گرفته است. فرانسویان و فرانسوی‌زبانان با اهداف و انگیزه‌های مختلفی چون کسب قدرت، مأموریت‌های مذهبی، رقابت با دیگر قدرت‌های اروپایی، تجارت، گردآوری طلا و ثروت، همچنین دلایل شخصی به آمریکا مهاجرت می‌کردند. با گذشت زمان، مردمانی از طبقه‌ها و مشاغل گوناگون راه خود را به دنیای جدید بازکردند. سفر جیوانی ورازانو^۱ که از فرانسوی اول مأموریت یافته بود تا راه عبور از غرب اروپا به چین را بیابد، دسترسی فرانسویان را بر سواحل آمریکا میسر ساخت. وی در هفتم مارس سال ۱۵۲۴م در ساحل کارولینای جنوبی و در نزدیکی دماغه فیر^۲، قدم بر خشکی نهاد (شونل، ۱۳۶۳). به تدریج و طی سالیان متمادی، فرانسویان زیادی دنیای جدید را برای زندگی و کار انتخاب کردند. برای مثال، در نتیجه جنگ‌های داخلی و مذهبی^۳ اواخر قرن ۱۶ و ابتدای قرن ۱۷ میلادی که به مغلوب شدن، سرکوب و کشتار پروتستان‌ها انجامید، تعداد زیادی از فرانسوی‌زبانان پروتستان رو به سوی آمریکا نهادند و بدیهی است آنچه با خود به سرزمین جدید بردند، ریشه و جلوه فرانسوی داشت. پروتستان‌های فرانسوی عازم آمریکا که هوگنو^۴ نامیده می‌شدند، متعلق به طبقات گوناگون و صاحب مشاغل مختلف بودند؛ این افراد حامل دانش و تجربیات متنوعی بودند که از آن در سرزمین جدید استفاده می‌کردند. عده دیگری هم بودند که ابتدا به بریتانیا و از آنجا به آمریکا رفتند. دلیل اصلی این تغییر مکان، نبود شغل کافی در بریتانیا بود که این گروه از فرانسویان مجبور شدند از سوی بریتانیا وارد چرخه استعمار آمریکا شوند و به همین علت تعداد زیادی هوگنو که البته شمار دقیقشان مشخص نیست، در مستعمره‌های

1. Florentine Giovanni de verrazano

2. Cape Fear

۳. یادآوری این نکته لازم است که تنها بین سال‌های ۱۵۹۸-۱۵۶۲م هشت جنگ میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌های فرانسه در گرفت که در نتیجه آن شمار زیادی از پروتستان‌ها به ویژه در واقعه سن بارتلمی کشته شدند.

4. Huguenot

بریتانیایی زندگی می‌کردند. اجتماعات هوگنوها به‌ویژه در خط ساحل شرقی آمریکا ساکن بودند و نقش زیادی در مستعمره‌سازی‌های مناطق مختلف، از جمله کارولینای شمالی و جنوبی داشتند.

تاریخ ایجاد اقامتگاه و مستعمره‌سازی‌های فرانسویان در آمریکا، به قرن شانزدهم بازمی‌گردد. «از سال ۱۶۰۴ م به بعد، مجتمع‌های زیستی فرانسوی در طول ساحل کانادا و در امتداد رودخانه سن لورنس^۱ استقرار یافتند. نخستین نمونه از این مجتمع‌های زیستی، سنت کرویکز^۲ واقع در جزیره دوشه^۳ بود که اکنون مین^۴ خوانده می‌شود» (موریس، ۱۳۹۰: ۳۴۲-۳۴۱). مستعمره‌های فرانسوی در قسمت‌های شرقی آمریکای شمالی، جنوب آمریکا و جزایر کارائیب تشکیل شدند و اهداف گوناگونی از جمله تثبیت قدرت و نفوذ بیشتر، تجارت و صادرات ماهی، شکر و خز را دنبال می‌کردند. همین امر مقدمه‌ای بود بر ورود و حضور افراد بیشتری با ملیت فرانسوی که در طول زمان بخشی از جمعیت و فرهنگ متنوع و مرکب آمریکا را تشکیل دادند. در نتیجه حضور فرانسویان، سبک و عناصر زندگی فرانسوی در مستعمرات این کشور جریان داشت و در این بین، مظاهر معماری فرانسوی از جمله ویژگی‌های متمایز اقامتگاه‌های فرانسویان در مقایسه با مستعمره‌های دیگر بود. در واقع، تأثیرات معماری و سازه‌های فرانسوی در مستعمره‌های جدید، بخشی از نتایج اقدام‌ها و فعالیت‌های فرانسویان در خاک آمریکا بود. فرانسویان از همان ابتدا به ایجاد مستعمره و ساختن قلعه و قرارگاه همت گماشتند. نکته قابل توجه اینکه ارتش فرانسه معمارانی را به آمریکا می‌آورد و از آن‌ها در این سرزمین استفاده می‌کرد. «فرانسویانی که در امتداد ساحل گلف^۵ مستقر شدند، فناوری نظامی از نوع اروپایی را در قلعه‌هایی که در فلوریدا ساختند از جمله دژ کارولاین^۶ (۱۵۶۴م) به‌کار گرفتند. از آنجا که فرانسویان در ساخت‌وسازهایشان از الوار استفاده می‌کردند،

1. St Lawrence
2. Sainte Croix
3. Douchet
4. Maine
5. Gulf Coast
6. Fort Caroline

استحکاماتشان فاقد دوام قلعه‌های سنگی اسپانیایی‌ها بود که بعدها ساخته شدند و به همین دلیل باقی نماندند تا مورد بررسی قرار گیرند» (Gordon, 2005:11).

«سبک استعماری^۱ فرانسوی در بسیاری نقاط، از جمله نیواورلئان یافت می‌شود» (Palmer, 2008:74). فرانسه می‌کوشید تا مستعمره‌ای کاتولیک در آمریکا بنیان نهد؛ تلاشی که به‌ویژه در منطقه لوئیزیانا بسیار چشمگیر بود.^۲ تلاش‌های زیادی برای ایجاد مستعمره در دره رودخانه می‌سی‌سی‌پی و منطقه نیواورلئان صورت گرفت و در همین راستا، در سواحل می‌سی‌سی‌پی برج و باروهایی به سبک فرانسوی افزاشته شد. فرانسویان در سال ۱۷۱۸م نیواورلئان را تأسیس کردند تا محل تقاطع حوزه رود می‌سی‌سی‌پی و کارائیب را تحت تسلط داشته باشند (Upton, 1998). گفتنی است فرانسویان از اسامی فرانسوی برای نام‌گذاری مکان‌ها و بناها استفاده می‌کردند که این امر نیز برای تأمین منافع فرانسه در دنیای جدید صورت می‌گرفت؛ از این میان می‌توان به جزیره پاریس در کارولینای جنوبی اشاره کرد.

حضور و فعالیت فرانسویان در آمریکا با ساخت‌وسازهایی از نوع فرانسوی توأم بود؛ اما در عین حال، با توجه به اوضاع و احوال جدید، تغییرها و نوآوری‌هایی را نیز به دنبال داشت. با گسترش مستعمره‌ها و حضور بیشتر فرانسویان، به تدریج اجتماع‌های فرانسوی‌زبان و تعداد خانه‌ها و کلیساها با ترکیبات و تأثیرات فرانسوی در خاک آمریکا افزایش یافت. البته، تلاش‌های فرانسویان برای تأسیس مستعمره در مناطق مختلف آمریکا، همیشه هم موفقیت‌آمیز نبود. این امر دلایل گوناگونی داشت، از جمله حضور دیگر ملیت‌های اروپایی و رقابت و کشمکش آنان با فرانسویان، شرایط اقلیمی و پیشامدهای غیرمنتظره مانند بیماری، کمبود امکانات و همچنین حملات سرخ‌پوستان. از نظر تاریخی، جنگ‌های هفت ساله (۱۷۵۶-۱۷۶۳م)، که در اصل آوردگاه برتری جویی

1. Colonial

۲. اصولاً این منطقه در دوره‌های مختلف، تعداد زیادی فرانسوی‌زبان را به سمت خود کشانده است و هنوز هم جمعیت کریول زیادی دارد. کلیسای جامع سنت جان از بازمانده‌های دوران حضور فرانسویان و اسپانیایی‌ها در این ناحیه است.

و رقابت جهانی فرانسه و بریتانیا بود (Elliott, 2006: 292)، نقطه پایان قدرت فرانسه در آمریکا شمرده می‌شود؛ اما در واقع این زمان، پایانی برای حضور و فعالیت فرانسویان و به عبارت بهتر پایان تأثیر معماری فرانسه بر آمریکا نبود و تأثیرگذاری‌ها همچنان از مجاری مختلفی ادامه می‌یافت و حتی در مقاطعی پررنگ‌تر نیز شد.

فرانسویان در پدیدار شدن شهرها و مناطق متعددی در آمریکا، کانادا و حتی هائیتی تأثیرگذار بودند؛ کبک و مونترال در کانادا و دیترویت، سنت لویس و نیوارلثان در آمریکا از نمونه‌های بارز این شهرهایند. ساخت و توسعه خانه‌های کشاورزی در نواحی جنوبی آمریکا و مستعمره‌های کشاورزی فعال در قرن ۱۹م نیز، در فرایند شهری شدن مناطقی از آمریکا مانند شیکاگو و دیترویت نقش داشت. گفتنی است که در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰م، فرانسوی‌زبانان زیادی از طریق منطقه نیوارلثان به آمریکا آمدند. مهاجران فرانسوی همچنین از طریق نیویورک که به گفته بارتولدی^۱، مجسمه‌ساز فرانسوی و سازنده مجسمه آزادی، «دروازه آمریکاست»، وارد این کشور می‌شدند. آن‌ها یا در این شهر می‌ماندند یا به مناطق داخلی‌تر می‌رفتند. حضور فرانسویان در نقاط مختلف آمریکا با نمود مظاهر زندگی فرانسوی از جمله معماری قرین بود که از مجاری مختلف به این کشور وارد می‌شد. با پایان تسلط فرانسه بر مستعمره‌های آمریکایی، این مستعمره‌ها به جزئی از پیکره ایالات متحده تبدیل شدند و آثار برجای مانده از این مناطق، بخشی از معماری ترکیبی ایالات متحده را شکل داد. نسل‌هاست که همچنان جنبه‌های مختلفی از فرهنگ، هنر و معماری و دیگر عناصر زندگی فرانسوی را علاقه‌مندان آن دنبال و استفاده می‌کنند.

۲. نمونه‌هایی از تأثیرات معماری فراآتلانتیکی

۲.۱. نمایشگاه‌ها

علاوه بر کتاب‌ها، نشریه‌ها و نیروهای متخصص و تحصیل کرده در دو سوی اقیانوس اطلس، عوامل دیگری مانند نمایشگاه‌های جهانی در آشنایی افراد با پدیده‌های جدید و

1. Frédéric-Auguste Bartholdi

ایجاد رقابت و نوآوری میان فرانسه و آمریکا مؤثر بودند. نمایشگاه‌ها به ویژه در سطح بین‌المللی و در حالی که فناوری اطلاعات و ارتباطات به اندازه امروز پیشرفته و متنوع نبود، بسیار تأثیرگذار و نقش آفرین بودند. در این نمایشگاه‌ها، دستاوردها و یافته‌های جدید در حوزه‌های مختلف عرضه می‌شد و کارشناسان و افراد عادی با آخرین پیشرفت‌ها و نوآوری‌ها در زمینه‌های گوناگون هنری و معماری، صنعتی و فناوری آشنا می‌شدند و این خود زمینه‌ای بود برای ایجاد رقابت و تلاش بیشتر در سطح ملی و بین‌المللی. از جمله نمایشگاه‌های مهمی که در گسترش هنر، معماری، صنعت و فناوری در دو سوی اقیانوس اطلس و سپس سرتاسر جهان نقش داشتند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

نمایشگاه جهانی نیویورک^۱ (۱۸۵۳م). در این نمایشگاه، آسانسور معرفی شد که اختراع مهمی برای ایجاد تسهیلات در صنعت ساختمان بود.

نمایشگاه بین‌المللی یکصدمین سالگرد^۲ (۱۸۷۶م). این نمایشگاه به مناسبت یکصدمین سال امضای بیانیه استقلال آمریکا در فیلادلفیا^۳ برگزار شد و اولین نمایشگاه جهانی آمریکا از این نوع بود. در ابتدا نگرانی‌هایی در مورد توانایی نمایشگاه برای برابری و رقابت با نمایشگاه‌های خارجی وجود داشت؛ اما نمایشگاه پس از ده سال برنامه‌ریزی و صرف بیش از یازده میلیون دلار افتتاح شد و آمریکا به‌عنوان قدرت نوظهور صنعتی، دستاوردهایش را به رخ اروپاییان کشید. بیش از ده میلیون بازدیدکننده، در شش ماه برپایی نمایشگاه شاهد آثار هنری و دستاوردهای صنعتی و فناورانه بودند. تلفن بل، تلگراف ادیسون، ماشین تایپ و ماشین حساب مکانیکی، برای نخستین بار در این نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفتند. همچنین، انواع محصولات مهندسی، از جمله لامپ الکتریکی، لوکوموتیو، ماشین چاپ و ابزارآلات معدن در تالار ماشین‌آلات^۴ کانون توجه شدند. بیش از دویست بنا در محوطه نمایشگاه وجود داشت و در میان

1. New York World's Fair
 2. Centennial International Exhibition
 3. Philadelphia
 4. Machinery Hall

جاذبه‌های معماری، ساختمان اصلی^۱، تالار یادبود^۲ و تالار باغبانی^۳، به ترتیب به تولیدکنندگان آمریکایی و خارجی، هنرهای زیبا و نمایش گیاهان مختلف و عجیب بومی و خارجی اختصاص یافت (Snyder, 2000). از دیگر موارد برجسته این نمایشگاه، نمایش مشعل مجسمه آزادی^۴ بود. بارتولدی این قسمت از مجسمه را تا آن زمان در فرانسه تکمیل کرده بود که برای نمایش به ایالات متحده فرستاده شد (National Park Service, 2012).

نمایشگاه جهانی پاریس^۵ (۱۸۸۹م). در این نمایشگاه بود که برج ایفل، به عنوان بلندترین بنای جهان، رونمایی شد. این نمایشگاه به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب فرانسه برگزار شد و برج ایفل در مدخل نمایشگاه، نقشی مانند طاق نصرت داشت (Levin, 1989: 20). میل به پیشرفت فرانسه و وجود رقابت‌های شدید خارجی، صنعت‌گران و صاحبان صنایع را به تلاش بیشتری در نمایشگاه ۱۸۸۹ و ۱۹۰۰م واداشت. پیشرفت و ترقی در هر جایی دیده می‌شد اما این امر در هیچ حوزه‌ای به اندازه هنرهای تزئینی و معماری نبود (Levin, 1989: 9).

نمایشگاه جهانی شیکاگو^۶، موسوم به نمایشگاه جهانی کلمبیا^۷ (۱۸۹۳م). این نمایشگاه به مناسبت چهارصدمین سال ورود کریستف کلمب به آمریکا، به مدت شش ماه در ساحل دریاچه میشیگان^۸ بر پا بود و آخرین نمایشگاه جهانی‌ای بود که در قرن نوزدهم در ایالات متحده برگزار شد. نحوه برگزاری و موفقیت‌های نمایشگاه شیکاگو آن را به معیاری برای ارزیابی نمایشگاه‌های بعدی مبدل ساخت. آمریکایی‌ها در کتاب‌های راهنما و تبلیغاتشان، بر ارزش‌های آموزشی نمایشگاه نیز تأکید داشتند و حتی در یکی از

-
1. Main Building
 2. Memorial Hall
 3. Horticulture Hall

۴. پس از آن در سال ۱۸۸۵م، از گوستاو ایفل درخواست شد تا قالب فلزی مجسمه آزادی را طراحی کند که هدیه فرانسه به آمریکا بود (Reis, 2009: 11).

5. Universal Exhibition in Paris
6. Chicago's world's Fair
7. World's Columbian Exposition
8. Lake Michigan

تبلیغات، از آن به عنوان مدرسه بزرگی نام برده شد که افراد همانند کودکان به آنجا می‌رفتند تا بیاموزند. این نمایشگاه میلیون‌ها بازدیدکننده داشت و رویدادی اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار محسوب می‌شد. اصول و تفکر برپاکندگان، در طراحی نمایشگاه مبتنی بر ارائه تصویری مثبت از آمریکا و تأکید بر عنصر وحدت بود. نمایشگاه شیکاگو می‌کوشید بخشی از اهدافش را از طریق معماری و فضاسازی عرضه‌شده به پیش برد. معماری نمایشگاه به خوبی گویای آن بود که در آن زمان آمریکا دیگر به نوعی تساوی با اروپا رسیده و به استانداردهای اروپایی دست یافته بود. ارج نهادن به فرم‌های معماری اروپایی و استفاده از آن، بارزترین تلاشی بود که در این زمینه مشاهده می‌شد. هیئت معماران نمایشگاه که در پی استفاده از سبکی یکسان و یکپارچه برای احداث بناهای اصلی نمایشگاه بودند، برای دستیابی به این هدف، از تعالیم و اصول سبک بوزار^۱ بهره بردند. در این راستا، سبک بوزار تم اصلی معماری چهارده بنای مهم نمایشگاه محسوب می‌شد (Rose, 1996). توضیح این مسئله لازم است که سبک بوزار یکی از سبک‌های غنی و تأثیرگذار معماری است که در اواخر قرن نوزدهم از مدرسه هنرهای زیبای پاریس^۲ برخاست. تأکید این سبک بر معماری ایتالیایی - رومی و سبک باروک فرانسوی و ایتالیایی است. ساختمان‌های عمومی متعددی با استفاده و الهام از این سبک ساخته شدند که عملکرد آن‌ها در نمای ساختمان مشخص است. تزئینات پرطمطراق و به‌کاربردن ذوق و سلیقه در استفاده از مرمرها و موزاییک‌های رنگین، از دیگر ویژگی‌های این سبک است. اپرای پاریس^۳ که در سال ۱۸۷۵م توسط چارلز گارنیه^۴ تکمیل شد، نمونه بارز سبک بوزار است (Ambrose, Harris & Stone, 2008). «نمایشگاه شیکاگو به نخستین نمایشگاه جهانی بدل شد که در ساختمان‌های مرکزی‌اش، نماهای هماهنگ و نئوکلاسیک را استفاده کردند و این امر طی دو دهه پس از آن، نمایشگاه‌های آمریکا را تحت‌الشعاع قرار داد» (Boger, 2005: 270).

1. Beaux-Arts
2. Ecole des Beaux Arts
3. Palais Garnier (Paris Opéra)
4. Charles Garnier

نمایشگاه بین‌المللی پاناما-پاسیفیک^۱ (۱۹۱۵م). این نمایشگاه به مدت نه ماه، در سانفرانسیسکو^۲ برگزار شد و از جنبه اقتصادی برای این شهر که در زلزله و آتش‌سوزی سال ۱۹۰۶م آسیب زیادی دیده بود، اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. در این نمایشگاه، ۳۱ کشور و بسیاری از ایالت‌های آمریکا، عمارت‌ها و تالارهای نمایش مخصوص به‌خود را برپا کرده بودند و در این میان، عمارت نمایشگاهی فرانسه نسخه‌ای از هتل سالم^۳ پاریس بود. به دلیل ساختمان‌هایی که در این نمایشگاه وجود داشت، از آن به شهر گنبدی^۴ نیز تعبیر می‌شد. برج چهل طبقه جواهرات^۵ بلندترین و بارزترین بنای نمایشگاه بود که بیش از یکصد هزار قطعه شیشه رنگارنگ در آن به کار رفته و یا از آن آویخته بود و با وزش نسیم اقیانوس و نورپردازی در شب، جلوه‌های زیبایی از انعکاس نور را پدید می‌آورد. قصر هنرهای زیبا^۶ یکی دیگر از ساختمان‌های زیبایی بود که برای نمایشگاه ساخته شد. این بنا با الهام از مدرسه هنرهای زیبای پاریس (بوزار) در نمایشگاه جلوه‌گری می‌کرد و تنها ساختمانی است که همچنان در مکان قدیمی باقی مانده است (The PPIE & National Park Service, 2012).

نمایشگاه بین‌المللی هنرهای تزئینی و صنعتی مدرن^۷ (۱۹۲۵م). این نمایشگاه که در پاریس برگزار شد، آمیزه‌ای از هنر و صنعت را عرضه می‌کرد و در پیدایش و اشاعه سبک هنر تزئینی^۸ تأثیر زیادی داشت. این سبک در دهه‌های بیست و سی قرن بیستم، در اروپا و آمریکا طرفداران زیادی پیدا کرد و در نقاشی، گرافیک، مجسمه‌سازی و

1. Panama-Pacific International Exposition
2. San Francisco
3. Hotel de Salm
4. The Domed City
5. Tower of Jewels
6. The Palace of Fine Arts
7. International Exposition of Modern Industrial and Decorative Arts
8. Art Deco

نام این سبک از نمایشگاه بین‌المللی هنرهای تزئینی و مدرن پاریس گرفته شده و شامل ویژگی‌های چون استفاده از فرم‌های طبیعی، اشکال هندسی، منحنی‌ها و طراحی‌های متقارن است و بازتابی از سرعت و آیرودینامیک را نشان می‌دهد. البته، این سبک از نهضت‌های دیگر اوایل قرن بیستم از جمله هنر نو، باوهاوس و فوتوریسم نیز تأثیر پذیرفته است (Ambrose, Harris & Stone, 2008).

تزیینات هم استفاده شد. ساختمان کرایسلر^۱ (۳۰-۱۹۲۰) در نیویورک شاخص‌ترین ساختمان این سبک محسوب می‌شود. ساختمان کرایسلر با ۳۱۹ متر ارتفاع، تا قبل از ساخته شدن برج امپایر استیت، بلندترین ساختمان جهان بود (قبادیان، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۱). «ویژگی این ساختمان، قالب‌هایی با زاویه‌بندی تند یا سطح زیگزاگ و تزیینات است» (کرتیس، ۱۳۸۲: ۱۵).

۲.۲. اماکن

در ادامه به نمونه‌هایی از مکان‌ها و بناهای موجود در آمریکا اشاره می‌شود که معماری فرانسه در آن‌ها تأثیرگذار بوده است.

واشینگتن، پایتخت ایالات متحده آمریکا. پیر چارلز لانفان^۲ معمار و مهندس آمریکایی متولد فرانسه که تحت فرماندهی جرج واشینگتن در جنگ‌های انقلابی آمریکا خدمت کرده و ارتقای درجه یافته بود، پس از جنگ یک شرکت مهندسی ساختمان به راه انداخت و با پروژه‌هایی که انجام داد شهرتی کسب کرد و بالاخره به پروژه ساخت پایتخت آمریکا وارد شد. در سال ۱۷۹۱م، جورج واشینگتن او را برای طراحی پایتخت آمریکا- البته با نظارت- انتخاب کرد و مکان کنگره و کاخ سفید را هم او مشخص ساخت. طرحی که لانفان ارائه داده بود، مدتی بعد بازننگری و استفاده شد. «سه عامل مختلف تأثیرات خود را در طرح لانفان به نمایش می‌گذارند: نخست زمینه فرانسوی خانوادگی، دوم شهرسازی اواخر قرن هیجدهم اروپا و سوم طرح‌های ارائه‌شده توسط پرزیدنت جفرسون... [لانفان] که با کاربرد ترکیب شبکه شطرنجی و خیابان‌های مورب که در ورسای به کاخ ورسای منتهی می‌شود آشنا بود، این ترکیب را اساس طراحی واشینگتن قرار داد» (موریس، ۱۳۹۰: ۳۷۳).

1. Chrysler Building

2. Pierre (Peter) Charles L'Enfant

لانفان (۱۸۲۵-۱۷۵۴م) در پاریس به دنیا آمد و ایام کودکی خود را در اطراف پارک و کاخ ورسای گذراند. وی که فرزند نقاشی چیره‌دست بود، قبل از آنکه در سال ۱۷۷۷م به آمریکا بیاید و در ارتش انقلابی مشغول خدمت شود، تحصیلات خود را در آکادمی سلطنتی نقاشی و مجسمه‌سازی به پایان برد (موریس، ۱۳۹۰: ۳۷۱).

موزه هنر متروپولیتن^۱ در نیویورک. در این موزه، هنر و تجربه ریچارد هانت^۲، اولین مهندس آمریکایی تحصیل کرده مدرسه هنرهای زیبای پاریس، مشهود است (لبنک، ۱۳۸۴).

بنای لژیون افتخار^۳. این بنا موزه‌ای در شهر سانفرانسیسکو است که به سبک فرانسوی ساخته شده و مجموعه‌های هنری گوناگونی را در خود جای داده و به نمایش گذارده است.

هتل پلازا^۴. هتلی اشرافی و بسیار مجلل در نیویورک که تداعی کننده قصرهای پاریس است.

برج ال سی اسمیت^۵. این برج در سیاتل^۶ قرار دارد. صاحب این آسمان‌خراش که تحت تأثیر مراسم افتتاحیه برج ایفل قرار گرفته بود، قصد داشت بنایی بسازد و موفقیت مشابهی را کسب کند که البته این آرزو برآورده نشد، اما جنبه رقابتی موضوع همچنان باقی ماند (لبنک، ۱۳۸۴).

آسمان‌خراش وول ورث^۷. این بنا در نیویورک قرار دارد و به آموزه‌های مدرسه هنرهای زیبای پاریس که با آن متناسب شده عینیت می‌بخشد. این آسمان‌خراش ۵۵ سال پیش از ساخته شدن آسمان‌خراش کرایسلر، به مدت شانزده سال، بلندترین ساختمان جهان بود (Nash, 2005:17).

۳. ۲. آسمان‌خراش‌ها و تجارب جدید

آسمان‌خراش‌ها از جمله محصولات معماری‌اند که چارچوب‌های خاص خود را در زندگی شهری پدید آورده‌اند. از اواخر قرن نوزدهم واژه آسمان‌خراش وجود واقعی خود را به سازوکار شهری افزود و به‌عنوان یک نوآوری آمریکایی معروف شد و در

-
1. Metropolitan Museum of Art
 2. Richard Howland Hunt
 3. California Place of the Legion of Honor
 4. Plaza Hotel
 5. L.C. Smith Tower
 6. Seattle
 7. Woolworth Building

ادامه مورد استفاده گسترده قرار گرفت. محل پدید آمدن و توسعه آسمان‌خراش‌ها شهرهای شیکاگو و نیویورک است. با پیدایش آسمان‌خراش‌ها، شیشه‌ها دیوارها را در مقیاس‌هایی گسترده‌تر از پیش شکافتند و نور راه بیشتری به داخل ساختمان یافت و موجب شد ظاهر بناها با آنچه در گذشته متداول بود، تفاوت زیادی پیدا کند. داستان استفاده از فولاد، بتن و شیشه در مقیاس‌های عظیم جنبه‌ای از معماری آمریکایی است که در سراسر جهان استفاده و فراگیر شده و فرانسه نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. فولاد توانایی نگهداری و افزایش بناهای بسیار بلندمرتبه را فراهم کرد. دیوارها در بنای «آسمان‌خراش‌ها» به آن سوی اقیانوس فرستاده شدند تا شاید بتوانند اروپاییان را مجاب کنند که عقایدشان در مورد دیوار نادرست است» (Cody, 2003: 25). مصالح، مواد و تجهیزات به کار رفته در بناها، امکانات و نوآوری‌های گوناگونی را در ساخت‌وسازهای جدید و افزایش تعداد طبقات پدید آورد. هم‌زمان با افزایش تعداد طبقات، تجهیزات و امکانات دیگری از جمله آسانسور^۱ و امکانات ایمنی ساختمان در برابر حریق و بلایای طبیعی نیز مورد نیاز بود که به تدریج حاصل شد (Adams, 2005). با پیدایش بلندمرتبه‌ها و آسمان‌خراش‌ها، هزینه‌های اجاره و ساخت‌وساز کاهش یافت که این امر خود موجب افزایش تعداد و وسعت به‌کارگیری این بناها شد. در نیمه اول قرن بیستم، تعداد آسمان‌خراش‌ها در آمریکا، به‌ویژه شهرهای نیویورک و شیکاگو رو به فزونی گذاشت و در نیمه دوم قرن، این بناها به میزان بیشتری در سطح جهان فراگیر شدند. تاکنون تلاش‌های زیادی در راستای نوآوری در ساخت، ترکیب یا بومی‌سازی آسمان‌خراش‌ها انجام شده است. در حالی که رقابت زیادی در زمینه بلندتر و مدرن‌تر ساختن آسمان‌خراش‌ها صورت می‌گیرد، شبیه‌سازی‌هایی نیز انجام می‌شود که یادآور ساختمان‌ها و بناهای تاریخی است. علاوه بر این، به‌کارگیری سبک‌های گوناگون معماری را می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد که نوعی بازگشت و استفاده از هنر و دانش

۱. بالا رفتن از پله‌ها نیازمند توانایی و وقتی است که تمام افراد از آن برخوردار نیستند و معرفی و ساخت آسانسور در ۱۸۵۳م این مشکل را حل کرد.

گذشته را نشان می‌دهد. قصرها، معابد و بناهای بی‌مانند نیز الهام‌بخش آسمان‌خراش‌ها بوده و حتی در بناهای امروزی و با نسبت‌های گوناگون انعکاس داشته‌اند، مانند آنچه در تاج، محیط پیرامونی و یا داخل برخی آسمان‌خراش‌ها به چشم می‌خورد. در مجموع تأثیرات ناشی از ورود آسمان‌خراش‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی شهری در قاره‌های مختلف مشهود است. زمانی که از تأثیرات معماری آمریکایی در نقاط دیگر از جمله فرانسه صحبت می‌شود، این بناهای عظیم و بلندمرتبه و مجموعه‌های وابسته به آن‌ها، نقشی بارزتر ایفا می‌کنند.

۳. فرانسه و تأثیرات معماری آمریکایی

معماری فرانسه نمایشگر ترکیبات زیبایی از معماری قدیم و مدرن است. در این معماری، مظاهر پیدا و پنهان تمدنی اعصار دور و نزدیک، در بافت‌های قدیم و جدید شهرها یافت می‌شود. در معماری فرانسه نقش حکومت و تفکرات امپراتوران و دولتمردان نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. نقش دولت در معماری فرانسه افت‌وخیزهای زیادی داشته، اما آنچه در دوره معاصر مشاهده می‌شود مدرن‌سازی و حفاظت از میراث گذشته در کنار یکدیگر است. فرانسویان به‌ویژه در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، تلاش‌های زیادی برای حفظ و نگهداری میراث فرهنگی و یادگارهای پیشینیان خود انجام داده‌اند. البته، ساخت‌وساز و بازسازی‌های اساسی پس از دوران جنگ، مانند کشورهایی که آسیب جنگی زیادی را متحمل شده بودند، در مورد فرانسه مصداق نداشت، زیرا آسیب‌های وارد شده به این کشور به شدت دیگران نبود. با این حال، حفظ میراث گذشتگان در کنار تأثیرات و الگوهای برگرفته از معماری آمریکایی، به‌ویژه آسمان‌خراش‌ها و ساختمان‌های اداری و دیگر عناصر شهری و ام‌گرفته، در شهرهای فرانسه، در مقایسه با دوران پیش از جنگ جهانی، چهره متفاوتی از این شهرها را به نمایش گذارد. به اعتقاد لو «ظاهراً چیزی در نظام فرانسه موجود است که به طرح‌های معاصر در محدوده‌های تاریخی حفاظت شده، اجازه حضور

می‌دهد و یا آن‌ها را تشویق می‌کند. این امری خاص است و احتمالاً به تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهایی مربوط می‌شود که ارزش بررسی دارند» (Loew, 2005: 1).

آنچه مسلم است، در طول جنگ جهانی دوم و دوران پس از آن، آمریکا حضور و نفوذ بیشتری در سوی دیگر آتلانتیک پیدا کرد. پس از فروکش کردن آتش جنگ، جلوه‌های معماری آمریکا بیش از پیش در اروپا و سایر نقاط جهان مشاهده شد. آمریکا به‌ویژه حضور پررنگ‌تری در اروپای غربی داشت و یکی از دلایل عمده آن اجرای طرح مارشال^۱ بود. ایالات متحده به‌موجب این طرح و با هدف نفوذ بیشتر و وابسته کردن اروپا به‌خود، کمک‌های مختلفی را به طرح‌های عمرانی و صنعتی این منطقه اختصاص داد. شرایط پس از جنگ و اهداف گوناگونی که آمریکا در اروپا دنبال می‌کرد سبب شد تا این بار معماران، طراحان و مهندسان آمریکایی در خاک فرانسه مشغول به کار شوند. انتشار اطلاعات درباره نمونه‌های طراحی و ساخت‌وساز از نوع آمریکایی، طرح‌های مشارکتی و مشاوره‌ای، برپایی نمایشگاه‌هایی از معماری آمریکا، همچنین تحصیل‌کردگان و معماران مهاجری که در سال‌های جنگ در آمریکا ساکن بودند، به اشاعه معماری و مهندسی آمریکایی کمک می‌کردند (Cody, 2003). تا آنجا که «در نوآوری اروپایی به طور خیال‌بافانه‌ای آمریکا سرزمین موعود همه پدیده‌های مدرن تلقی می‌شد. این موضوع در کتاب به سوی معماری لوکوربوزیه^۲ در زیرنویس تصویر آسمان‌خراشی در سانفرانسیسکو که در پوششی از پیرایه رنسانسی به طور ضعیفی طراحی شده بود، خلاصه می‌شد و آن زیرنویس این‌چنین بود: "بیایید به مشاوره‌های مهندسان آمریکایی گوش بسپاریم اما از معماران آمریکایی حذر کنیم."» (کرتیس، ۱۳۸۲: ۲۲۸).

ناگفته نماند که طرح ساختن آسمان‌خراش‌ها در پاریس به پیش از جنگ جهانی دوم و دهه ۱۹۳۰ بازمی‌گردد. معماران معروفی از جمله کوربوزیه^۳ و آگوست پره^۴ طرح‌های زیادی برای آسمان‌خراش‌ها داده بودند که به دلایل اقتصادی و بحران دهه ۳۰ محقق

1. Marshall Plan
2. Le Corbusier
3. Le Corbusier
4. Auguste Perret

نشده؛ اما با گذشت زمان و به تدریج، ساخت و ساز از نوع آمریکایی در فرانسه نیز رایج شد. برای مثال، منطقه دفانس^۱ در سال ۱۹۵۱، برای ایجاد مرکز اداری انتخاب شد و توسعه و شکل گیری بیشتر پروژه از سال ۱۹۵۸م، با طرح دو ردیف آسمان خراش با ارتفاع یکسان آغاز شد. در ادامه، در سال ۱۹۶۴م، طرحی مبنی بر ساخت بیست برج اداری ۲۵ طبقه تصویب شد، اما اغلب شرکت های مرتبط ترجیح دادند ساختمانشان بلندتر باشد (A View on Cities, 2009). امروزه، ساختمان هایی بسیار بلند و با ارتفاعاتی متفاوت این منطقه را در بر گرفته اند. منطقه اداری - تجاری دفانس پاریس که بسیاری از بلندترین ساختمان های شهر در آن قرار دارد، همانند بسیاری از مناطق مهم تجاری در شهرهای مدرن، با معماری نیویورک هموردی می کند. این منطقه به مانهاتان^۲ کوچک معروف است و بیش از شش دهه، جنگلی از آسمان خراش ها را به سبک آمریکایی برای رفع نیازهای تجاری جهان مدرن در خود جای داده است. منطقه دفانس مرکز خرید و بازرگانی پررونقی به شمار می رود که ۱۵۰۰۰۰ نفر در آن مشغول به کار و ۵۵۰۰۰ نفر در آن ساکن اند (Steves, Smith & Openshaw, 2009).

بلندمرتبه سازی و افراشتن آسمان خراش ها پدیده ای است که چهره شهرهای فرانسه را هم تغییر داده است. تغییرات تنها مختص بناها نیست، بلکه نوع زندگی و رفتار انسان ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. افزایش ارتفاع و تعداد بناهای مدرن و آسمان خراش ها، شکل های جدیدی از زندگی مدرن و مراکز قدرت و ثروت را در جهان پدید آورده است. این پدیده در ایجاد رقابت بیشتر و رشد صنعت و فناوری در حوزه های مختلف، به ویژه حوزه های مرتبط با معماری و شهرسازی و دگرگون شدن خط آسمان و چهره شهرها نقش عمده ای ایفا کرده است. در دنیای مدرن، بسیاری از آسمان خراش ها به قصرهای سرمایه داران و صاحبان قدرت و ثروت تبدیل شده و غرور و قدرت تجاری، در ابعاد مختلف همراه با ارتفاع بناها افزایش یافته است. منافع و سود بیشتر موجب شده دولت ها، سازمان ها و شرکت های مختلف در سراسر دنیا وارد عرصه های مختلف این

1. La Défense
2. Manhattan

رقابت شوند و تلاش کنند تا از رقیبان داخلی و خارجی پیشی بگیرند. بسیاری از این ساختمان‌ها، همان فروشگاه‌ها و بنگاه‌های کوچک دیروزند که حالا بزرگ شده و قد کشیده‌اند و در دنیای مدرن، تجارت و کسب‌وکار خود را در مقیاسی بسیار وسیع‌تر ادامه می‌دهند. رقابت از سطوح متنوع معماری و ساخت‌وساز گرفته تا اقتصاد و بازرگانی و دستیابی به اهداف فردی و جمعی در جریان است. صاحبان ثروتی که امکان برج‌سازی دارند و به آن مشغول‌اند، بلندتر، متمایزتر و مدرن‌تر می‌سازند و در نتیجه سود بیشتری به دست می‌آورند و بیشتر دیده می‌شوند.

همان‌طور که اشاره شد جنبه رقابتی در بلندمرتبه‌سازی و برج‌سازی به پیدایش بناهای بلندتر، مدرن‌تر و متفاوت‌تر می‌انجامد. این پدیده در ساخت برج ایفل و آسمان‌خراش امپایر استیت نیز نقش داشته است. نمایشگاه جهانی ۱۸۸۹ م پاریس به عنصری چشمگیر نیاز داشت تا بتواند میلیون‌ها بازدیدکننده را جذب کند. گوستاو ایفل نوآوری لازم را در سازه‌های از آهن و فولاد، که بلندترین بنای جهانی تا آن زمان بود، به واقعیت تبدیل کرد. برج ایفل از ۱۸۰۳۸ قطعه آهن به ارتفاع ۹۸۶ فوت (۳۰۰/۵۳ متر) ساخته شد که با بیش از دو میلیون و پانصد هزار میخ پرچ، به هم متصل شده بودند.^۱ این سازه همچنان یکی از شگفتی‌های فناوری عصر صنعت به‌شمار می‌رود (Reis, 2009: 11-12). در سوی دیگر آتلانتیک، آسمان‌خراش امپایر استیت قرار دارد که در سال ۱۹۳۱ م تکمیل شد. رئیس جمهور وقت آمریکا، هربرت هوور^۲، چراغ‌های این ساختمان ۱۰۲ طبقه را، در مراسمی در اول ماه می، روشن کرد و امپایر استیت گوی سبقت را از رقیبش، ساختمان کرایسلر، ربود. این ساختمان به سبک هنر تزیینی ساخته شد که خاستگاه آن فرانسه است. امپایر استیت به آسمان‌خراش نمونه‌ای تبدیل شد که آسمان‌خراش‌های دیگر نیز با آن مقایسه می‌شوند. این بنا نیز که در زمان خود، بلندترین ساختمان جهان شناخته می‌شد، با استفاده از ۱۰ میلیون آجر، ۱/۱۷۲ مایل کابل آسانسور، دو میلیون فوت سیم برق و حجمی معادل ۲۰۰/۰۰۰ فوت مکعب سنگ، به دست ۳۵۰۰ کارگر و در مدت هجده ماه ساخته

۱. در مناسبت‌های ویژه، ۲۰/۰۰۰ لامپ برای چراغانی کردن آن لازم است (Reis, 2009: 13).

2. Herbert Hoover

شد (Nash, 2005: 75-77). شباهت‌های این دو نماد مهم معماری فرانسه و آمریکا گفتنی است و جنبه‌هایی از تأثیرات و رقابت‌های عنوان شده در متن را روشن‌تر می‌کند:

۱. هر دو سازه حدود چهار دهه عنوان بلندترین بنا را در جهان به خود اختصاص داده بودند. ایفل و امپایر استیت، مانند دو ستون یا دو کفه ترازوی واقع شده در دو سوی آتلانتیک، در رقابت‌های ایجاد شده برای بلندتر و مدرن‌تر ساختن ساختمان‌ها تأثیرگذار بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، علاوه بر معانی و مضامین هنری، فرهنگی و فناورانه، که برای این دو بنا متصور است، هر دو در رقابت در ساخت و ارائه «ترین‌ها» به‌ویژه در دنیای مدرن نقش داشته‌اند. در این رهگذر، پیشگامان نوآوری و فناوری نیز تلاش کرده‌اند تا در این فرایند سهیم باشند و بر دامنه شگفتی‌ساز آن دو بیفزایند. رقابت‌های ایجاد شده را می‌توان در انواع مختلف و در مقیاس‌های کوچک و بزرگ مشاهده کرد. برای مثال، از سال ۱۹۷۸م، همه‌ساله ده‌ها دوندۀ پیر و جوان از سرتاسر جهان، در مسابقه، یا به عبارتی المپیک پله‌نوردی امپایر استیت شرکت می‌کنند و می‌کوشند ۱۵۷۶ پله را تا طبقه ۸۶ این بنا هر چه سریع‌تر بپیمایند (New York Road Runners, 2008).

۲. هر دو بنا به‌عنوان دو نماد از دو کشور و دو معماری، علاوه بر کاربردها و جذابیت‌های بصری، تناقض‌هایی را نیز پدید آورده‌اند. این تناقض‌ها در جنبه‌های گوناگون زندگی شهری دیده می‌شود و البته از نتایج و پیامدهای افزایش تعداد و ارتفاع ساختمان‌های غول‌پیکرند. سازوکار فعال در این عرصه، به خلق سازه‌هایی انجامیده است که می‌توان درباره آن‌ها، تعبیر گوناگونی را به‌صورت مثبت یا منفی به‌کار برد. برای مثال و از جنبه بصری، می‌توان نقش فانوس دریایی و یا بخشی از آلودگی نوری شهرها را به آن‌ها نسبت داد که شب‌هنگام، هم جلوه‌های زیبایی از طرح و نور را می‌آفرینند و هم زیبایی و دید آسمان شب را تحت تأثیر قرار می‌دهند و آلودگی نوری ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، امکان بلندتر ساختن، پیشرفته‌تر شدن و حل بخشی از مشکلات مسکن در سراسر دنیا، فراگیری و بلندمرتبه‌سازی‌های گسترده را در کنار فروریختن‌های سهمگین قرار می‌دهد که به وسیله عوامل طبیعی و بشری ایجاد می‌شوند. این پدیده در میان امیدها و تهدیدهای موجود یا

محتمل، در تاریخ احداث و انتشار این نوع معماری و مهندسی قرار دارد. دامن زدن به پیدایش و گسترش بناهای متناسب و چشم‌نواز و یا بناهای نامتناسب و آزاردهنده نیز از دیگر تناقض‌های قابل بحث در قالب برج‌سازی است.

۳. این دو بنا، دوره‌هایی از انزجار تا افتخار را البته به نسبت‌های مختلف، پشت سر گذارده‌اند. به این معنا که طراحی و ساخت برج ایفل سیلی از اعتراض‌ها را به دنبال داشت که خواستار برچیده شدن این برج از سطح پاریس بودند، اما بعدها این امر نه تنها صورت نگرفت بلکه با گذشت زمانی نه‌چندان طولانی، برج ایفل به یکی از افتخارات فرانسه تبدیل شد. از سوی دیگر، از آنجا که آسمان‌خراش امپایر استیت در سال ۱۹۳۱م و در جریان بحران اقتصادی آمریکا تکمیل شده بود و در این برهه، تعدادی از طبقات آن مدت‌ها خالی مانده بود، آن را Empty State Building نیز می‌نامیدند (Reis, 2009)؛ اما این موضوع نیز مقطعی بود و این بنا نیز با گذشت زمان به یکی از نشانه‌های ملی ایالات متحده تبدیل شد.

۴. ورود به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی در سطوح مختلف، بخش انکارناپذیر تأثیرات این دو بناست. رد پای این نشانه‌ها و نمادهای معماری مدرن را در ادبیات، موسیقی، سینما، ورزش، مد، تبلیغات، و جزآن می‌توان یافت. در امور فرهنگی، هنری و تبلیغاتی بارها از تصاویر و مدل‌های این دو بنا فراوان استفاده شده و این امر همچنان ادامه دارد. برای مثال، پوسترها و تبلیغات آژانس‌های مسافرتی، مملو از تصاویر جذاب این بناها برای ترغیب گردشگران به سفر به نیویورک و پاریس است و یا در فیلم‌های آمریکایی و فرانسوی زیادی، حضور این دو بنا به معانی، مفاهیم و مضامین مرتبطی دلالت دارد. فیلم‌هایی که در مناطق مختلفی از پاریس یا نیویورک، با معماری مشخص و متمایز، فیلم‌برداری و تولید می‌شوند بار معنایی و زمانی متفاوتی را به مخاطب القا می‌کنند و انتظارات ویژه‌ای را از نوع مکالمات و رفتار آدم‌ها گرفته تا چیدمان و عناصر مختلف زندگی شهری، در بیننده ایجاد می‌کنند. به کارگیری بناهای معروف در فیلم‌ها و

سایر محصولات فرهنگی به دلیل تنیدگی خاطرات فردی و جمعی افراد با این بناها، تأثیرات پررنگ‌تری را در پی دارد.

علاوه بر موارد گفته شده، بناهایی نظیر ایفل و امپایر استیت نیز در زندگی اجتماعی شهروندان یک کشور حضور دارد. آتش‌بازی‌ها، نورافشانی‌ها در ایام خاص و مناسبت‌ها و نمایشگاه‌های برپا شده با بهره‌گیری از این بناها نیز کم نیستند. نام و نمای چنین سازه‌هایی، فضای فرهنگی و اجتماعی خاص خود را به همراه دارد و متون و خوانش‌های مرتبطی را می‌آفریند.

تعدادی از نمایشگاه‌های برج ایفل عبارت‌اند از:

- نمایشگاه زمستان قطب شمال در طبقه اول برج، در انتهای سال ۲۰۰۷ و ابتدای ۲۰۰۸ میلادی مصادف با سال بین‌المللی قطب
- نمایشگاهی از پنجاه سال مسابقه فضایی (۲۰۰۷)
- نمایشگاه برج ایفل و سینما (۲۰۰۷) برای نشان دادن ارتباط صدساله برج ایفل و سینما
- داستان آهن (۱۹۹۶)
- برج‌های جهان از بابل تا زمان ما (۱۹۹۱) و نمایشگاه‌های دیگری که در پاریس یا شهرهای دیگر فرانسه و شهرهای مختلف جهان برگزار شده و به نوعی به برج ایفل مربوط می‌شوند (تور ایفل، ۲۰۰۸).
- ۵. جاذبه‌هایی که این بناها ایجاد می‌کنند، درون حلقه‌های مختلف شهری، کشوری یا جغرافیایی، افراد را به شکل کوتاه‌مدت مانند سفرهای گردشگری^۱ یا به صورت بلندمدت مانند مهاجرت، به سوی خود می‌کشند.

۴. نتیجه‌گیری

معماری بیانگر و یا دربردارنده هویت، دانش، فناوری، فلسفه و هنر است و از دل

۱. برج ایفل یکی از معروف‌ترین جاذبه‌های گردشگری در سطح جهان است که ۱۶۷ میلیون گردشگر از آن بازدید کرده‌اند (Reis, 2009: 13).

تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و رسوم ملل جهان، به صورت بناها و سازه‌های بی‌شمار پا به عرصه ظهور می‌گذارد. محصولات معماری وارد زمینه‌های خرد و کلان زندگی می‌شوند و معماری به مثابه جنبه‌ای از فرهنگ ابداع، القا، تقلید (عالمانه، ناشیانه)، ترکیب، تکمیل، احیا، صادر و وارد می‌شود. معماری که خود متأثر از فرهنگ است، در معماری و مهندسی فرهنگ نیز سهیم است. گفتمان‌های گوناگون دینی، فرهنگی، هنری، علمی، فلسفی، ادبی، سیاسی، سینمایی، رسانه‌ای و غیره، هر یک در پردازش و تولید محصولاتشان از معماری بهره می‌برند و از یکدیگر تأثیر می‌گیرند. رویدادها و زمینه‌های تاریخی، مکاتب، فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگون، در کنار دانش و خلاقیت معماران و مهندسان و پیشرفت‌های فناورانه، در روند خلق و تولید محصولات معماری مؤثرند. علاوه بر این، ترکیب و نوترکیبی نیز همواره محصولات جدید بصری، کاربردی و نوآوری‌های بکر و بدیعی را در عرصه‌های مختلف از جمله معماری به دست داده است. ترکیبات صورت‌گرفته در معماری از طرح‌ها و سبک‌های ساده به ترکیبات بسیار پیچیده و متفاوت با خاستگاه اولیه می‌رسد و گاه موجب منسوخ شدن، بازآفرینی یا کاربرد نسبی سبک‌های گوناگون می‌شود. همچنین، تعاملات فرهنگی و فناوری، دگرگونی‌ها و تغییرات بر مبنای مقتضیات زمانی و مکانی و استفاده از سبک‌های گوناگون، به صورت مجزا و مرکب، سبب ظهور پدیده‌های چندوجهی و چندمعنایی در معماری می‌شود که در شهرهای امروزی به وفور مشهود است.

تعاملات و تأثیرات فراآتلانتیکی پدیده‌ای است که در مورد ملل متعددی صادق است و نتیجه آن فراگیر شدن سبک‌ها و محصولات متنوعی در زمینه‌های گوناگون از جمله معماری و شهرسازی بوده است. در این میان، فرانسه نیز مانند سایر ملل راه‌یافته به آمریکا، تجلی و حضور خود را در عرصه‌های متعددی از جمله معماری نشان داده و در ادامه از معماری و شهرسازی آمریکایی تأثیر پذیرفته است. زمانی فرانسویان به ساخت‌وساز خانه‌های کشاورزی، کلیسا و برج و بارو در خاک آمریکا مشغول بودند و

زمانی دیگر از محصولات معماری آمریکا، به‌ویژه آسمان‌خراش‌ها و عناصر وابسته به آن‌ها در خاک خود استفاده کرده و به انتشار آن پرداخته‌اند.

امروزه، تلاش بر این است که بناها هرچه بلندتر و مدرن‌تر ساخته شوند. پدیده کلان‌شهرها با برج‌ها و ساختمان‌های عظیم و بلندمرتبه و در حال افزایش، وارد تمامی قاره‌های جهان شده و آثار و پیامدهایی را به زندگی مدرن تحمیل کرده است. در این فضا، معماری و شهرسازی مربوط، همچنین نیازها، الزام‌ها و رقابت ناشی از آن، گاه امواجی را پدید می‌آورد که یا باید بر آن‌ها سوار بود یا در جوش و خروششان گم شد. عصرهای ماشین، فضا و اطلاعات هر یک نظاره‌گر افراشته‌تر شدن، پیشرفته‌تر شدن، مجهزتر شدن و فراگیری هر چه بیشتر سازه‌ها، بناها و برج‌های بلندمرتبه و رفیع بوده است. منافع و نمایش قدرت و ثروت در کنار دانش و توانایی صنعتی، فناوری، هنری و معماری بخشی از دلایل دامن‌زدن به مسابقه و رقابتی بزرگ در دو سوی آتلانتیک بوده است که مرزهای کشورهای دیگر را نیز در نوردیده است. تلاش و رقابت برای فتح بلندی‌ها و دستیابی به افتخارات بیشتر، همچنین تمایل به بلندتر و باشکوه‌تر ساختن و مدرن کردن هر چه بیشتر سازه‌ها و بناها، چالش‌های گوناگونی را در ابعاد فردی و جمعی و عرصه‌های ملی و بین‌المللی ایجاد کرده است. این امر در سایه تعامل‌ها، کشمکش‌ها، نیازها و نوآوری‌ها ادامه دارد و در مقایسه می‌توان گفت جوامع مختلف از جمله فرانسه و ایالات متحده به فراخور توانایی، امکانات، دانش و فناوری، همچنین میزان رقابت‌پذیری خود در فرایند شکل‌گیری، بلندتر ساختن، گسترش و فراگیری هر چه بیشتر بناها، سازه‌ها و سبک‌های معماری، نقشی کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر ایفا کرده‌اند.

منابع

- [۱]. شوئل، فرانک. ال. (۱۳۶۳). *آمریکا چگونه آمریکا شد*، به ترجمه ابراهیم صدقیانی، تهران: امیرکبیر.
- [۲]. قبادیان، وحید. (۱۳۸۴). *مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- [۳]. کرتیس، ویلیام جی آر. (۱۳۸۲). *معماری مدرن از ۱۹۰۰*، به ترجمه مرتضی گودرزی، تهران: سمت.
- [۴]. لبلنک، سیدنی. (۱۳۸۴). *معماری قرن بیستم آمریکا*، به ترجمه و تدوین: حسین حافظ القرآنی و امیراعلا عدیلی، اصفهان: همام.
- [۵]. موريس، جيمز. (۱۳۹۰). *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*، به ترجمه راضیه رضازاده، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- [6]. Ambrose, G.; Harris, P. & Stone, S. (2008). *The Visual Dictionary of Architecture*. Lausanne: AVA Publishing SA.
- [7]. Adams, H. (2005). *Art and Technology*. in Pursell, C. (Ed.). (2005), *A Companion to American Technology*, Oxford: Blackwell.
- [8]. Boger, A. (2005). *Envisioning Progress at Chicago's White City*, in Klaus.
- [9]. Cody, W.J. (2003). *Exporting American Architecture, 1870-2000*, New York: Routledge.
- [10]. Elliott, J. H. (2006). *Empires of the Atlantic World: Britain and Spain in America 1492–1830*. New Haven: Yale University Press.
- [11]. Exhibitions of the Eiffle Tower. (2008). Retrieved, May 12, 2009, from: <http://www.tou Eiffle.fr/teiffel/uk/documentation/dossiers/page/expositions.html#2008>
- [12]. Gordon, R. B. (2005). *Technology in Colonial North America*, in Pursell, C. (Ed.). (2005). *A Companion to American Technology*. Oxford: Blackwell.
- [13]. Hall, T. (1997). *Planning Europe's capital cities: Aspects of Nineteenth-Century Urban Development*. London: E & FN Spon.
- [14]. A View on Cities. (2009). *La Défense*. Retrieved May 12, 2009, from <http://www.aviewoncities.com/>
- [15]. Levin, M. R. (1989). *When the Eiffel Tower was new: French visions of progress at the centennial of the Revolution*. South Hadley: Mount Holyoke College Art Museum.
- [16]. Loew, S. (2005). *Modern Architecture in Historic Cities: Policy, planning and building in contemporary, France*. Taylor & Francis e-Library
- [17]. National Park Service. (2012). *Statue of Liberty*. Retrieved August 13, 2012, from: <http://www.nps.gov/stli/historyculture/liberty-island-a-chronology.htm>
- [18]. National Park Service. (2012). *1915 Panama-Pacific International Exposition*. Retrieved August 13, 2012, from:

- [19]. <http://www.nps.gov/prsf/historyculture/1915-panama-pacific-international-exposition.htm>
- [20]. Nash, P. E. (2005). *Manhattan Skyscrapers*. New York: Princeton Architectural Press.
- [21]. New York Road Runners. (2008). Empire State Building Run-Up. Retrieved, May 5, 2009, from: <http://www.nyrr.org/races/2011/r0201x00.asp>
- [22]. Palmer, A. L. (2008). *Historical Dictionary of Architecture*. Lanham: The Scarecrow Press, Inc.
- [23]. Reis, A. R. (2009). *Building America Then and Now: The Empire State Building*. New York: Chelsea House.
- [24]. Rose, J. K. (1996). A history of the fair. Retrieved, May 12, 2009, from: <http://xroads.virginia.edu/~ma96/WCE/history.html>
- [25]. Snyder, I. R. (Curator). (2000). *American World's Fairs and Expositions*. Retrieved, May 12, 2009, from: <http://www.lib.udel.edu/ud/spec/exhibits/fairs/index.htm>
- [26]. Steves, R. Smith, S. & Openshaw, G. (2009). *Rick Steves ' Paris 2009*. Berkeley: Avalon Travel.
- [27]. The PPIE. (n.d.) Retrieved May 16, 2009, from: <http://www.sanfrancisco memories.com/ppie/history.html>
- [28]. Upton, D. (1998). *Architecture in the United States*. Oxford: Oxford University Press.